

دوفصلنامه علمی- پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء

ویژه‌نامه‌ی زمستان ۱۳۹۲

دو تبیین قاعده‌بنیاد برای رفتار قاعده‌مند صورت‌های فعل «گرفتن» در گونه‌ی شه‌میرزادی

یدالله پرمون^۱

سلیمه زمانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۰

تاریخ تصویب: ۹۱/۶/۱۸

چکیده

در این مقاله، با تمرکز بر جنبه‌ای کوچک از نظام آوایی شه‌میرزادی و با تکیه بر رفتار قاعده‌مند صورت‌های تصریفی فعل «گرفتن» [je+t^h+æ̃n] هنگام پیوستن ونده‌های اشتقاقی و تصریفی [bæ, næ, væ, ha] به آن کوشیده‌ایم به قاعده‌مندی‌هایی کلی برسیم. این رفتار قاعده‌مند را می‌توان با استفاده از دو تبیین جداگانه نشان داد. چهارچوب نظری این مقاله، واج‌شناسی قاعده‌بنیاد و انگاره خطی ۱۹۶۸ (SPE) است. این پژوهش، حاصل انتخاب فهرستی از ۶۵ فعل شه‌میرزادی و مصاحبه با ۲۵ گویشور ساکن

۱. استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری yadollahparmoon@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران salime_zamani@yahoo.com

شه‌میرزاد از هر دو جنس زن و مرد، آوانویسی تفصیلی داده‌ها به صورت پیکره‌های هدایت‌شده و کشف فرایندهای واجی مربوط به فعل «گرفتن» است. روش تبیین این فرایندهای واجی، کشف تناوب‌ها، استخراج اجزای سطح بازنمایی زیرین، صورت‌بندی قاعده و سنجش آن با اشتقاق واجی است و درنهایت، برهم‌کنش میان قاعده‌ها کشف و بیان می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فرایندهای واجی فعل «گرفتن» را می‌توان با دو ترتیب بدین شرح تبیین کرد: نخست، غلت‌شدگی [ʃ]، حذف واکه /i/ و حذف همخوان /r/؛ دوم، درج واکه [i]، غلت‌شدگی [ʃ] و حذف همخوان [r]. نخستین تبیین، با استفاده از روی‌کرد هم‌زمانی و دومین تبیین، با استفاده از روی‌کرد درزمانی صورت گرفته است. هر یک از این دو تبیین در مقایسه با یکدیگر، کاستی‌ها و برتری‌هایی دارند که در این مقاله، به آن‌ها پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: واج‌شناسی زایشی^۱، SPE^۲، تناوب^۳، واژ-

واجی^۴، برهم‌کنش^۵، همگونی^۶، حذف^۷، درج^۸، غلت‌شدگی^۹.

-
1. Generative Phonology
 2. Sound Pattern of English
 3. Alternation
 4. Morphophonemic
 5. Interaction
 6. Assimilation
 7. Deletion
 8. Insertion
 9. Gliding

۱. مقدمه

در این بخش، به مباحث ذیل می‌پردازیم:

۱-۱. معرفی

در این پژوهش، بخشی از قواعد واژ-واجی فعل را در گونه‌ی زبانی شهر شه‌میرزاد از بخش شه‌میرزاد^۱، از توابع شهرستان مهدی‌شهر (بانام قدیم سنگسر) در استان سمنان بررسی کرده و بیشتر، گونه‌ی «پیش‌کفش» شه‌میرزاد را مدنظر داشته‌ایم. گونه‌ی شه‌میرزادی دارای همخوان‌هایی عبارت از [b,p, t,dʒ,tʃ,h,χ,d,z,r,s,ʃ,f,g,c,ʒ,l,m,n,v,j] و واکه‌هایی عبارت از [i,y,u,e,ə,ø,æ,a,a] است. در اطلس زبان‌های در معرض خطر در یونسکو، زبان سمنانی و لهجه‌های شمال شرقی آن نیز ذکر شده است. تمایز شه‌میرزادی با فارسی هم در واکه‌های ویژه آن و هم در دیگر حوزه‌ها از جمله واژگان دیده می‌شود و به‌حدی است که شاید بتوان براساس آن، شه‌میرزادی را یک زبان متمایز دانست.

در گونه‌ی شه‌میرزادی، فعل «گرفتن» [je+t+æn] همراه پیشوندهای تصریفی [næ,bæ,mæ] و پیشوندهای اشتقاقی [væ,ha] و نیز فعل‌یار [pe]، به ترتیب به معنای «گرفتن از کسی»، «برگرفتن یا برداشتن» و «شکافتن» به کار می‌رود. در صرف زمان حال این فعل با پیشوندهای اشتقاقی و تصریفی بیان شده، چند تغییر آوایی دیده می‌شود. در این مقاله کوشیده‌ایم این فرایندها را با استفاده از مدل (SPE) تبیین کنیم و در بررسی‌ای مقدماتی، به این نتیجه رسیده‌ایم که دست کم، دو تبیین برای توضیح این فرایندها وجود دارد. در ادامه، با بیان هر دو تبیین خواهیم کوشید برجستگی‌ها و کاستی‌های هر کدام را بیان کنیم؛ اما پیش از تحلیل، مروری بر پیشینه پژوهش و مبانی نظری، لازم است.

۵. شهر نمونه گردشگری بین‌المللی، شه‌میرزاد، در ۲۴ کیلومتری شمال سمنان، در دامنه‌های جنوبی رشته کوه البرز و در مجاورت دشت کویر واقع شده است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون، تنها زمانی (۱۳۹۰) درحوزه واژ-واجی، دربارهٔ این گونهٔ زبانی تحقیق کرده و مقالهٔ حاضر، برگرفته از پژوهش اوست. اُرانسکی^۱ دربارهٔ طبقهٔ زبانی شه‌میرزادینوشته است: گویش‌های متعدد ایران مرکزی و غربی، و چند گویش رایج در استان فارس (سیوندی)، بازمانده‌های گویش‌های ایرانی شمال غرب‌اند که در دورهٔ باستان، در بخش شمالی و شمال غربی فلات ایران (منطقهٔ ماد)، رواج داشته‌اند (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۶۳ و ۱۶۴). وی گروه ششم از این گویش‌ها را به گویش‌های اطراف سمنان، شامل گویش‌های سمنانی، لاسگردی، سرخه‌ای، سنگسری و شه‌میرزادی اختصاص داده است که به‌ویژه از طریق تحقیق کریستن سن (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۶۳ و ۱۶۴) شناخته شده‌اند؛ اما لُکوک^۲ گویش شه‌میرزادی را در زیرگروه گویش‌های مازندرانی، از گروه گویش‌های حاشیهٔ دریای خزر و گویش‌های شمال غرب ایران ذکر کرده است؛ همچنین گویش‌های اطراف سمنان را سرخه‌ای، لاسگردی، افتری، سنگسری و بیابانکی ذکر کرده و در این قسمت، گویش شه‌میرزادی را ذکر نکرده است (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۷: ۴۹۰). صفوی (۱۳۸۵: ۱۸۱) گویش‌های حوزهٔ سمنان، شامل سنگسری، افتری، سرخه‌ای و لاسگردی، و نیز گویش‌های گیلکی و مازندرانی را درزمرهٔ زبان‌های ایرانی جدید غربی ذکر کرده است؛ اما گویش شه‌میرزادی را ذکر نکرده است.

۱-۲-۱. پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ گویش شه‌میرزادی

رضایی باغبیدی (۱۳۸۷: ۵۰۳ تا ۵۰۵) از لُکوک چنین نقل کرده است: «به‌نظر می‌رسد گویش شه‌میرزادی، دارای مصوت‌های /a ā e i o (ö) ü/ باشد. دستگاه صامت‌ها همانند دستگاه صامت‌های زبان فارسی است». از نظر وی، صرف فعل برپایهٔ دو مادهٔ فعلی صورت می‌گیرد. «در گویش‌های مازندرانی، فقط یک پیشوند فعلی وجود دارد: پیشوند نمود تام ba/be/bi و غیره؛ اما در گویش شه‌میرزادی، پیشوند نمود استمرار -mi/-ma و غیره برای ماضی استمراری وجود دارد». به‌عقیدهٔ لُکوک، شناسه‌های فعلی شه‌میرزادی به سه گروه

1. J. Oranskij
2. LECOQ

تقسیم می‌شوند: نخست، شناسه‌های مضارع شامل: -nna، -nni، -mmam،
 -in، -im، -a، -i، -(a)m شامل: -nna، -nnan؛ دوم، شناسه‌های التزامی شامل: -in، -im، -a، -i، -(a)mna(m) و -an. اگر
 نظر وی را درباره‌ی یکسان‌نبودن پیشوند نمود استمرار گذشته در گونه‌ی شهمیرزادی و
 گویش‌های مازندرانی ملاک قرار دهیم، تفاوت این دو گونه آشکار می‌شود. در پی
 بررسی‌های انجام‌شده، شناسه‌های وجه‌های گوناگون فعل در گونه‌ی شهمیرزادی، در قالب
 چهار وجه اخباری: [næ, ni, mi, æ, i, mæ]، التزامی: [æn, en, em, e, i, æm]، امری:
 [en, Ø] و نهی: [en, a] به دست آمده است.

از میان ایرانیان، تنها چند پژوهشگر درباره‌ی گویش شهمیرزادی تحقیق کرده‌اند و
 تعدادی کم از آن‌ها زبان‌شناس‌اند (ر.ک. زمانی، ۱۳۹۰: ۵۴ و ۵۵). کلباسی (۱۳۸۲: ۵۳۴)
 معتقد است گویش شهمیرزادی علاوه بر همخوان‌ها و واژه‌های فارسی معیار، واژه‌های
 [ə]، [ü]، [ē] و [ö] را نیز دارد. در این گویش، شناسه‌های فعلی اول شخص -ama
 یا -ima، -i یا -a نشانه‌ی استمرار فعل در زمان گذشته، پیشوند -mo و در زمان حال،
 پسوندهای (an)- یا (am)- است. فعل گذشته ساده با پیشوند تصریفی یا اشتقاقی ساخته
 می‌شود. از نظر نگارندگان این مقاله، واژه [æ] نیز در این گویش وجود دارد و واژه [ē]
 در آن به کار نمی‌رود. شناسه‌های فعلی هم با موارد ذکر شده در این کتاب، متفاوت‌اند.
 نشانه‌ی استمرار در زمان حال، تقریباً درست ذکر شده و کلباسی (۱۳۸۸) درباره‌ی این وند و
 ریشه‌ی آن سخن گفته است. به نظر نگارندگان، تک‌واژه‌گونه‌های نشانه‌ی استمرار در زبان
 شهمیرزادی در زمان گذشته، بسته به واژه‌ی آغازین فعل، عبارت‌اند از: [mø]، [mæ]،
 [m]، [mi] و [mu]. لاری (۱۳۸۴) درباره‌ی واژه‌ای با تلفظی مشابه آوای [e] و
 [a] سخن گفته و منظور وی، واژه [æ] است. مقصودی (۱۳۷۹) فهرست مصدر فعل‌های
 شهمیرزادی و صرف فعل «شدن» را در پایان کتاب آورده است که در این پژوهش، از آن
 استفاده کرده‌ایم.

۲-۱. برخی پژوهش‌های انجام‌شده درباره گویش‌های دیگر

مرسلویی (۱۳۸۸) ساختارهای تصریفی فعل را در گونه میانه بررسی کرده است. وی بدین منظور، ۷۵ فعل را بدون توجه به محیط آوایی برگزیده و آن‌ها را در قالب جمله‌های گوناگون به زبان فارسی، در زمان‌ها و وجوه مختلف، در قالب پرسش‌نامه تحلیل کرده است. در این پژوهش، فهرست فعل‌ها براساس محیط آوایی تهیه شده است.

رضایی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای، فرایندهای آوایی، اسم و فعل را در گونه زبانی «شیرگاه» بررسی کرده است. از جمله تفاوت‌ها و شباهت‌های دو گونه شیرگاه و شه‌میرزادی می‌توان همگونی کامل خوشه‌های همخوانی nd و st را در جایگاه مرز تک‌واژه، به ترتیب به صورت nn و ss، در صرف فعل گونه شه‌میرزادی ذکر کرد؛ اما برخلاف گونه شیرگاه که در التقای واکه‌های (e+e) در پایان فعل‌های آن، ناهمگونی رخ می‌دهد، در گونه شه‌میرزادی، در بافت آوایی مشابه، واکه /e/ حذف می‌شود. جایگاه تکیه فعلی نیز در این دو گونه، متفاوت است.

گچ‌پزیان (۱۳۸۷) در پژوهش خود، از الفبای آوانگاری بین‌المللی^۱ استفاده نکرده و نوشته است: از نظر طبقه‌بندی تاریخی، گویش سمنانی، به حدفاصل زبان‌های دوره‌های باستان و میانه تعلق دارد؛ همچنین با زبان‌های خزری، شامل گیلکی، تالشی و تاتی، از برخی نظرها مشابه است. وی واکه‌های زبان سمنانی را [a,e,o,ɑ,u,i,ow,I,ø,y] معرفی کرده است و بنابراین، واکه‌های مشترک در گونه‌های شه‌میرزادی و سمنانی، [a,e,ɑ,u,i,ø,y] هستند. در این مقاله، مصدر «خوردن» به گویش سمنانی [bøχørdijun] و نیز فعل‌های «می‌خوانم» [møχønyn] و «رفتم» [befijun] تحلیل شده‌اند و بدین ترتیب، هماهنگی واکه‌ای پیشوند اثبات شده است. مشابه این فرایند در شه‌میرزادی نیز رخ می‌دهد.

۳-۱. مبانی نظری پژوهش

در سال ۱۹۵۰، نوام چامسکی^۱ و موریس هله^۲ مکتب واج‌شناسی زایشی را بنیان نهادند. فرضیه اصلی این مکتب، ساختارهای واجی است که توانش زبانی گویشور بومی را برای محاسبه بازنمایی آوایی جمله‌های بلقوه و بی‌شمار زبان نشان می‌دهند (کنستویچ^۳، ۲۰۰۶: ۱). از منظر واج‌شناسی زایشی، در فعل‌های به‌اصطلاح نامنظم فارسی مانند /mi+kar+am/ و /mi+kaʃ+tt+am/ دو آوای /ʃ/ و /t/ در سطحی انتزاعی‌تر، نمایانگر یک واج واحد، مثلاً /t/ هستند (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۸: ۱۴۶ و ۱۴۷). واج‌شناس برای کشف UR از تناوب، از سه مرحله بدین شرح عبور می‌کند: شواهد درون‌پیکره‌ای؛ معیارهای روش‌شناختی پنجگانه برای تعیین بازنمایی زیرین؛ شواهد برون‌پیکره‌ای (کنستویچ و کیسه‌برت، ۱۹۷۹: ۱۴۰ تا ۱۵۴، به نقل از مرسلوی، ۱۳۸۸: ۴۹).

معیارهای روش‌شناختی پنجگانه برای تعیین UR عبارت‌اند از:

الف) گرایش‌های جهانی: اگر $[\alpha]$ به‌تنهایی، در زبانی دیگر قابل مشاهده باشد و $[\beta]$ به‌تنهایی در هیچ زبانی دیده نشود، $[\alpha]$ مشخصه زیرین است.

ب) معیار بسامد وقوع: مشخصه‌ای که توزیعی متنوع‌تر دارد، بازنمایی زیرین به‌شمار می‌رود.

ج) توجیه‌پذیری آوایی: مشخصه‌ای از نوع بازنمایی زیرین است که تبدیل آن به دیگری، توجیه آواشناختی داشته باشد.

د) طبیعی بودن واج‌شناختی: از میان دو مشخصه متناوب، مشخصه‌ای بازنمایی زیرین محسوب می‌شود که تبدیل آن به دیگری در زبان‌های دیگر نیز رایج باشد یا سابقه‌ای از آن، در زبان‌های دیگر دیده شود.

ه) معیار پیش‌بینی‌پذیری واج‌شناختی، ویژه صیغگان است و در ساخت‌واژه دیده می‌شود (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۸).

1. N. Chomsky
2. M. Halle
3. Michael Kenstowicz

قواعد واجی، تابع فرمول زیر هستند:

$$A \rightarrow B / _ C$$

(روکا^۱ و جانسون^۲، ۱۹۹۹: ۵۱).

بین قاعده‌های واجی، چهار نوع برهم‌کنش وجود دارد:

- الف) اگر قاعده A شرایط را برای عمل کردن قاعده B فراهم کند، رابطه ترتیب $A < B$ از نوع زمینه‌چین و رابطه ترتیب $B < A$ از نوع عکس زمینه‌چین است.
- ب) اگر در اثر عمل کردن قاعده A، شرایط برای عمل کردن B از بین برود، رابطه ترتیب $A < B$ از نوع زمینه‌برچین و ترتیب $B < A$ از نوع عکس زمینه‌برچین است (گاسن‌هاون و جیکوب، ۱۹۹۸: ۹۸ و ۹۹).

۲. تحلیل

مطالبی را که در مقدمه پژوهش، درباره دگرگونی‌های آوایی فعل «گرفتن» هنگام پیوند با پیشوندهای تصریفی و اشتقاقی گفتیم، در پیکره ۱ می‌توان مشاهده کرد. در روش نخست، ستاک حال فعل «گرفتن» را /jɪr/ در نظر گرفته‌ایم که با به‌کارگیری قاعده غلت‌شدگی، سپس حذف واکه و در پایان، حذف همخوان پایانی در صیغه اول شخص مفرد امر، به [j] تبدیل شده است. در روش دوم، ستاک حال فعل «گرفتن» را خوشه دوهمخوانی /jɪr/ در نظر گرفته‌ایم. در این حالت، در ستاک حال فعل‌های به‌کاررفته با پیشوندهای تصریفی، برای جلوگیری از خوشه همخوانی آغازین، بین دو همخوان، واکه [i] درج می‌شود.

1. Lggy Roca
2. Wyn Johnson

پیکره هدایت‌شده ۱

معادل فارسی	آوانوشتۀ شه‌میرزادی	معادل فارسی	آوانوشتۀ شه‌میرزادی
بردار	væ+j̥	برنداشتی	væ+næ'+je+t ^h +i
بردارید	væ'+j̥ r+ēŋ	می‌گیریم	jir+ǝ' m'+mi
برندار	væ+næ'+jr+ɑ	می‌گیرند	jir+ǝ' n'+næ
بگیرند	bæ'+jr+æŋ	گرفتند	bæ+je'+t ^h +ǝnæ
می‌گیرید	jir+ǝ' n'+ni	می‌گرفتید	mæ+je'+t ^h +ǝni
از... بگیریم	ha'+jr+ēŋ	از... گرفتیم	ha+je'+t ^h +ǝmi
بگیر	ha+j̥	می‌شکافم	pe' jir+ǝm'+mæ
بگیرید	ha+jr+ēŋ	می‌گیرد	jir+ǝ' n+næ
می‌شکافی	pe'+jir+ǝn+i	شکافتی	peje+t ^h +i
نمی‌شکافی	pe næ'+jr+ǝn+i	نشکافتی	penæ+je+t ^h +i
بردارم	væ'+jr+æŋ	برداشتم	væ+je'+t ^h +ǝmæ
برنمی‌دارم	væ+næ'+jr+ǝm'+mæ	برمی‌داشتم	væ+me+je'+t ^h +ǝmæ

۱-۲. تبیین نخست

væj < (قاعده ۲-۱-۲) < væ+jr < (قاعده ۲-۱-۲) < væ+jir < (قاعده ۲-۱-۲) < væ+jir

۱-۱-۲. غلت‌شدگی [j] در محیط میان‌واکه‌ای

غلت‌شدگی واج /j/ در محیط میان‌واکی، پس از واکه پیشوند و پیش از واکه [i]، در فعل‌های دارای ریشه حال [jir] رخ می‌دهد. پس از وندهای [væ, næ, bæ, ha]، واج /j/ ستاک، به [j] تبدیل می‌شود. در بیشتر واژه‌های ستون سمت راست پیکره ۱، غلت‌شدگی رخ داده است. پیکره ۲ محیط آوایی قاعده را نشان می‌دهد:

پیکره هدایت‌شده ۲

معادل فارسی	آوانوشتۀ شه‌میرزادی	معادل فارسی	آوانوشتۀ شه‌میرزادی
پهن کردم	b+ãŋ`ŋ+i`+mæ	برمی‌داری	væ+jr+õ`n+i
گفتم	b`ø+j`õ+t`h+õmæ	بگیرید	bæ`+jr+ẽŋ
سرایت کردن	væ+jers+i`+ŋ	از... بگیرید	ha`+jr+ẽŋ
نمی‌گویند	næ`+hy+n`+næ	برندارید	væ+næ`+jr+ẽŋ
می‌گیرم	jr+õ`m+mæ	برمی‌دارم	væ+jr+õ`m+mæ
بشکافم	pé jr+ãẽm	نشکافم	pe næ`+jr+ãẽm

ماتریس مختصه‌ای واج‌های متناوب در پیکره هدایت‌شده ۱، بدین صورت

است:

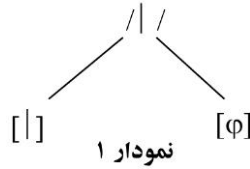
$$\begin{pmatrix} +\chi\omicron\nu\sigma\tau \\ -\pi\omicron\chi \\ -\chi\omicron\nu\tau \\ -\alpha\nu\tau \\ -\chi\omicron\rho \\ +\eta\upsilon\eta \\ -\beta\alpha\chi\kappa \\ +\pi\omicron\iota\chi\varepsilon \end{pmatrix} \quad \begin{array}{c} | \sim \varphi \\ \downarrow \end{array} \quad \begin{pmatrix} -\chi\omicron\nu\sigma\tau \\ -\pi\omicron\chi \\ +\chi\omicron\nu\tau \\ -\alpha\nu\tau \\ -\chi\omicron\rho \\ +\eta\upsilon\eta \\ -\beta\alpha\chi\kappa \\ +\pi\omicron\iota\chi\varepsilon \end{pmatrix}$$

معیار گرایش‌های جهانی درباره تعیین واج زیرساختی، ممتنع است؛ زیرا هریک از دو سوی تناوب، به‌طور مستقل می‌توانند در زبان دیده شوند. همخوان [j] در فعل [je+t`h+ãẽ`n] با پیشوندهای اشتقاقی و تصریفی [væ, bæ, na, ha]، در تمام صیغه‌های

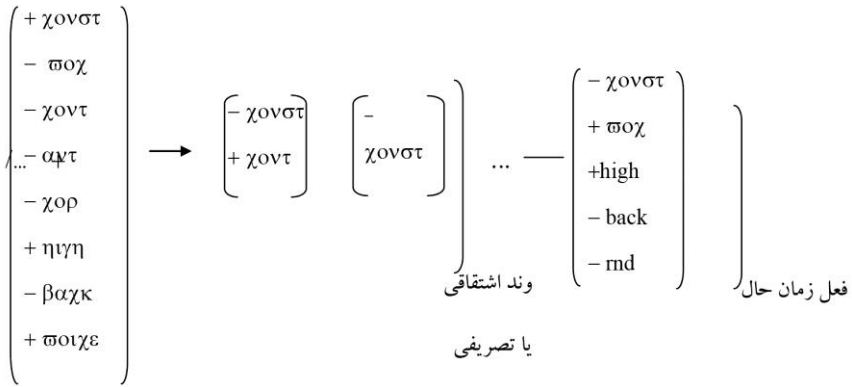
گذشته دارای ریشه [je+t] دیده می‌شود. در فعل «گرفتن» با پیشوندهای [bæ,ha]، تنها در شکل اخباری مثبت، این همخوان دیده می‌شود. فعل «گرفتن» با پیشوند [væ] در هیچ کدام از صیغه‌های حال، همخوان [ʃ] ندارد؛ همچنین در تمام صیغه‌های گذشته، حال اخباری مثبت و حال التزامی مثبت از فعل مرکب [p^he je+t^h+æ̃ŋ]، همخوان [ʃ] بیان می‌شود. در دیگر صیغه‌ها، همخوان [j] دیده می‌شود؛ یعنی در تناوب یادشده، بسامد وقوع [ʃ] بیش از وقوع [j] است و این معیار، زیرساختی بودن [ʃ] را تأیید می‌کند. معیار توجه‌پذیری آوایی نیز زیرساختی بودن واج /ʃ/ را اثبات می‌کند؛ زیرا ستاک حال، [ʃir] است و وقتی /ʃ/ پس از واکه پیشوندهای اشتقاقی یا تصریفی و پیش از واکه [i] دارای مشخصه‌های [-back] و [+high] مشابه قرار می‌گیرد، همخوان [ʃ] با واکه پیش از خود در مشخصه [-const] و [+cont] همگون می‌شود. در صیغه‌های حال فعل «گرفتن» و «از... گرفتن» - که واج /ʃ/ در آغاز فعل قرار می‌گیرد - و نیز صیغه‌های حال و گذشته فعل «پهن کردن» - که در آن، این واج پس از همخوان خیشومی و پیش از واکه [i] می‌آید، محیط میان‌واکی فراهم نمی‌شود و غلت‌شدگی رخ نمی‌دهد. واکه پیش از واج /ʃ/ در صیغه‌های مثبت زمان حال از فعل مرکب^۱ [p^he je+t^h+æ̃ŋ]، واکه پیشوند نیست و بخشی از فعل یار (جزء غیرفعلی از فعل مرکب) است؛ بنابراین، موجب غلت‌شدگی نمی‌شود. در فعل‌های «گفتن» و «سرایت کردن»، واکه‌های پس از واج /ʃ/، واکه /i/ نیستند. یکی از دو نگارنده این مقاله، مدتی ساکن شهر «بابل» در استان مازندران بوده و مشاهده کرده است که در گونه «بابلی»، تمام صورت‌های گذشته، با [j] تلفظ می‌شوند و صورت مصدری [ha+j+t+en] به کار می‌رود؛ بنابراین، معیار طبیعی بودن واج شناختی نیز غلت‌شدگی /ʃ/ در این محیط را تأیید می‌کند. در گویش ویدری، مضارع سوم شخص مفرد از فعل «گرفتن»، به صورت [ha+gir -e] بیان می‌شود (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۳). در گونه سنگسری - که از گونه‌های رایج در استان سمنان و همسایه شه‌میرزاد است - نیز [ha'+jir+em] به کار می‌رود. اصطلاح «هاگیر و اگیر» در زبان فارسی هم

۱. تکیه‌برنبودن پیشوند اشتقاقی /+væ/ و تکیه‌بربودن جزء آغازین فعل «شکافتن»، /pe/، احتمالاً نشان‌دهنده پیشوندی نبودن و مرکب بودن آن است.

زیرساختی بودن /jir/ را نشان می‌دهد. معیار پیش‌بینی‌پذیری واج‌شناختی، به کشف UR کمکی نمی‌کند و بر این اساس، نمودار ۱ بازنمایی زیرین تناوب مربوط را نشان می‌دهد:



صورت‌بندی قاعدهٔ ۱-۱-۲-۱ Gliding بدین شرح است:



حال، به کمک اشتقاق واجی، قاعده را آزمایش می‌کنیم:

UR	/ # bΘ+ ir+en # /	بگیرید
	# bΘ≡+ iP+e)n8 #	... ¹
	# bΘ≡+jiP+e)n8 #	Gliding l
	# bΘ≡+jP+e)n8 #	...
PR	[bΘ≡+jr+e)n8]	

۲-۱-۲. حذف واکهٔ [i]

پس از اعمال قاعدهٔ ۱-۱-۲، توالی [ji] در صیغه‌های زمان حال از فعل «گفتن» پدید می‌آید و سپس واکهٔ [i] از ستاک حذف می‌شود. در پیکرهٔ ۳، حذف واکهٔ [i] در فعل «نشستن»

نیز نشان داده شده که البته به قاعدهٔ مورد بحث ما مربوط نیست؛ اما برای مشاهدهٔ تکمیلی و شواهد برون‌پیکره‌ای، آن را آورده‌ایم. تبیین این پیکره، از مجال این مقاله، خارج است. شایان ذکر است که ریشهٔ فارسی میانهٔ «نشستن»، /niʃin/ بوده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۷۸).

پیکرهٔ ۳

معادل فارسی	آوانوشتۀ شهمیرزادی	معادل فارسی	آوانوشتۀ شهمیرزادی
بگیرید	ha+jr+ēŋ	بنشینید	bæʔ+jfir+ēŋ
می‌گیرید	ʃir+ǝ nʔ+ni	می‌نشینی	niʃir+ǝ n+i
از... بگیریم	haʔ+jr+ēm	بنشینیم	bæʔ+jfir+ēm
از... گرفتی	ha+je+tʰ+i	نشستی	bæ+nīʃ+tʰ+i

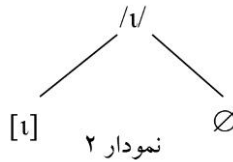
در این پیکره، تناوب زیر برقرار است:

$$\emptyset \sim 1$$

$$\emptyset \sim \begin{pmatrix} -\chi\omicron\nu\sigma \\ +\pi\omicron\chi \\ -\beta\alpha\chi\kappa \\ +\eta\nu\eta \\ -\rho\nu\delta \end{pmatrix}$$

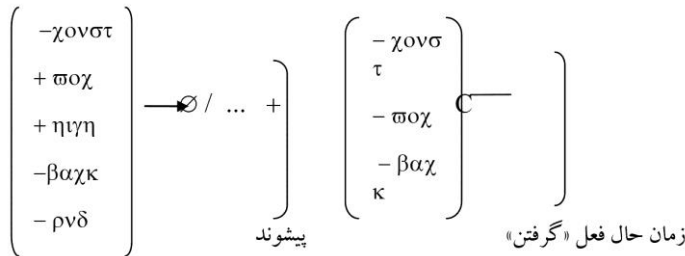
معیار گرایش‌های جهانی، به کشف UR این تناوب کمکی نمی‌کند؛ چون یک طرف تناوب، ماتریس تهی است. واج /i/ تنها در شکل مضارع اخباری مثبت از فعل‌های «گرفتن»، «گرفتن از» و «شکافتن» باقی می‌ماند؛ بنابراین، بسامد وقوع [∅] بسیار بیشتر از [i] است و براساس این معیار، [i] در بازنمایی زیرین وجود ندارد. با توجه به این معیار، حذف

واکهٔ مشابه [i]، به لحاظ آوایی، توجیه‌پذیر است؛ زیرا پس از عمل کرد قاعدهٔ غلت‌شدگی، واکهٔ [i] پس از همخوان [j] قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که هردو آوا مشخصه‌های [-back]، [-const] و [+high] دارند؛ یعنی از نظر جایگاه و شیوهٔ تولید، بسیار شبیه یکدیگرند؛ بدین ترتیب، واج [i] از ستاک حذف می‌شود و همخوان [j] باقی می‌ماند. در گونهٔ بابلی نیز فعل التزامی «بگیرد» به صورت [ba' +jr+e] و «می‌گیرد» به صورت [jirne] به کار می‌رود و معیار طبیعی بودن واج‌شناختی هم حذف /i/ را تأیید می‌کند. از مجموع معیارهای کشف بازنمایی زیرین می‌توان نتیجه گرفت در فعل‌هایی با ستاک حال [jir]، پس از غلت‌شدگی، واکهٔ [i] حذف می‌شود.



این فرایند حذف، با استفاده از قاعدهٔ ۲-۱-۲ (i-Del) صورت‌بندی می‌شود (C نشانهٔ

همخوان است).



قاعدهٔ ۲-۱-۲ با استفاده از اشتقاق واجی زیر آزموده می‌شود:

UR	/ # bΘ+ ir+en # /	بگیرد
	# bΘ≡+ iP+e)n8 #	...
	# bΘ≡+jiP+e)n #	Gliding1
	# bΘ≡+jP+e)n #	i-Del
PR	[bΘ≡+jr+e)n]	

رابطهٔ قاعده‌های ۲-۱-۲ و ۱-۱-۲ از نوع زمینه‌چین و بدین شرح است:

زمینه‌چین <i-Del Glidingl

۳-۱-۲. حذف واج [r] پایانی

این فرایند را در قالب پیکره ذیل می‌توان نشان داد:

پیکره هدایت‌شده ۴

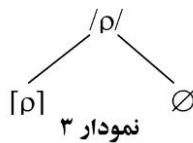
معادل فارسی	آوانوشتۀ شهمیرزادی	معادل فارسی	آوانوشتۀ شهمیرزادی
ببرید	bæ' + v ^w ør + ēŋ	بیر	bæ' + v ^w u
می‌برم	b ^w ør + ǝ' m' + mæ		
بخورید	bæ' + χ ^w ør + ēŋ	بخور	bæ' + χ ^w u
بیاورید	ní' + j ^w + ur + ēŋ	بیاور	bí' + j ^w + u

از ... بگیرد	ha' + jr + ēŋ	از ... بگیر	ha' + j̄
بنشین	bæ' + j + jir + ēŋ	بنشین	bæ' + j + ji
بمیرد	bæ' + mir + ēŋ	بمیر	bæ' + miṛ

در این گونه، شناسه صیغه‌های امر و نهی جمع، [+en] و شناسه امر مفرد، [Ø] است. چنان‌که می‌بینیم، در صیغه امر مفرد در پیکره ۴، واج /r/ پایانی ستاک حال [jir] حذف می‌شود. در دو فعل نخست در این پیکره، علاوه بر حذف، تغییر واکه هم رخ داده است و تبیین این فرایند در زمانی (۱۳۹۰: ۱۸۳) آمده است. در این پیکره، تناوبی بدین شرح برقرار است:

$$\begin{array}{c} \emptyset \sim \rho \\ \downarrow \\ \emptyset \sim \left(\begin{array}{c} + \chi \circ \nu \sigma \\ \tau \\ + \varpi \circ \chi \\ - \lambda \alpha \tau \\ + \chi \circ \nu \tau \end{array} \right) \end{array}$$

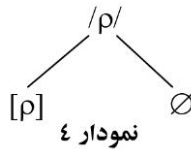
معیار گرایش‌های جهانی، به کشف UR این تناوب‌ها کمکی نمی‌کند؛ چون یک طرف تناوب ماتریس تهی است. واج [r] در پایان ستاک حال از همه صیغه‌های این فعل‌ها دیده می‌شود و تنها در صیغه امر مفرد، [r] پایانی وجود ندارد. بسامد وقوع [r] بسیار بیشتر از عدم وقوع آن است و براساس این معیار، [r] در بازنمایی زیرین وجود دارد. با توجه به معیار توجیه‌پذیری آوایی، هرگاه واج [r] با مشخصه [+const] در پایان و پس از غلت [j] دارای مشخصه [-const] قرار گیرد، حذف می‌شود. مقایسه صیغه‌های امر مفرد و جمع همه فعل‌های این گونه، بیانگر آن است که واج پایانی ستاک حال، در همه صیغه‌های امر و نهی جمع دیده می‌شود؛ اما در برخی صیغه‌های امر مفرد، همخوان پایانی حذف شده است. در فعل «بمیر»، همخوان پایانی حذف نشده است؛ یعنی قاعده تا جایی پیش رفته که مفهوم متلاشی نشود و خلط مفهوم به‌وجود نیاید؛ زیرا فعل «آمدی» در گونه شهمیرزادی، به صورت [bæ+miː] بیان می‌شود. از مجموع معیارهای کشف بازنمایی زیرین می‌توان نتیجه گرفت در صیغه امر مفرد، [r] پایانی حذف می‌شود. در نمودار ۳، بازنمایی زیرین این تناوب نشان داده شده است:



این فرایند حذف، با استفاده از قاعده ۲-۱-۳ (r Del) صورت‌بندی می‌شود:

$$\left(\begin{array}{c} +\chi\sigma\sigma \\ \tau \\ +\sigma\sigma\chi \\ -\lambda\alpha\tau \\ +\chi\sigma\tau \end{array} \right) \xrightarrow{\emptyset / \dots \#} \left[-\text{const} \right] \left. \begin{array}{c} \text{—} \\ \text{—} \\ \text{—} \\ \text{—} \end{array} \right\} \text{امر مفرد}$$

قاعده ۲-۱-۳ با استفاده از اشتقاق واجی زیر آزموده می‌شود:



UR	/ # hA+ ir # /	از (کسی) بگیر
	# hA≅+ ir 8 #	...
	# hA≅+jir8 #	Gliding l
	# hA≅+jr8 #	t-Del
	# hA≅+j #	r-DEL
	# hA≅+j* #	...
PR	[hA≅≅+j*]	

رابطه قاعده‌های ۲-۱-۲ و ۳-۱-۲ از نوع زمینه‌چین است.

۱-۱- تبیین دوم

در این تبیین، ستاک حال فعل «گرفتن» را خوشه همخوانی /jr/ در نظر می‌گیریم:

$v\ae+jr$ (قاعده ۲-۱-۲) < $v\ae+jr$ (قاعده ۳-۱-۲)

< $jr+\ae n+i$ (قاعده ۲-۲-۲) < $jir+\ae n+i$

۲-۲-۱- غلت‌شدگی /j/ در محیط میان‌واکی

همگونی واج /j/ با واکه پیش از خود و همخوان [r] پس از خود، و تبدیل آن به غلت کامی [j]، در فعل‌هایی با ریشه حال [jr] رخ می‌دهد. هرگاه این خوشه همخوانی، پس از وندهای تصریفی و اشتقاقی [væ, næ, bæ, ha] قرار گیرد، واج /j/ به [j] تبدیل می‌شود.

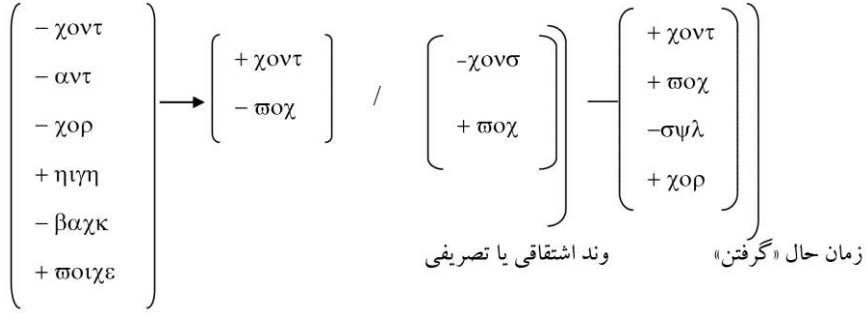
در این تبیین، از داده‌های پیکره هدایت‌شده ۲ و تناوب زیر استفاده می‌شود:

$$| \sim \varphi$$

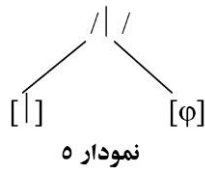
$$\begin{pmatrix} -\chi\omicron\nu\tau \\ -\alpha\nu\tau \\ -\chi\omicron\rho \\ +\eta\nu\eta \\ -\beta\alpha\chi\kappa \\ +\omega\omicron\chi\varepsilon \end{pmatrix} \sim \begin{pmatrix} +\chi\omicron\nu\tau \\ -\omega\omicron\chi \\ -\chi\omicron\rho \\ +\eta\nu\eta \\ -\beta\alpha\chi\kappa \\ +\omega\omicron\chi\varepsilon \end{pmatrix}$$

معیار گرایش‌های جهانی، در این مورد، ممتنع است؛ زیرا هریک از دو سوی تناوب، به‌طور مستقل می‌توانند در زبان دیده شوند. همخوان [j] در فعل [je+t^h+æ̃ n]، با وندهای اشتقاقی و تصریفی [væ, bæ, ha] تنها در صیغه‌های حال اخباری مثبت، و در فعل پیشوندی [p^he+je+t^h+æ̃ ŋ]، در صیغه‌های حال اخباری مثبت و حال التزامی مثبت دیده می‌شود. همخوان [j] در دیگر صیغه‌ها، یعنی در تناوب بالا، بسامد وقوع [j] بیش از وقوع [j] است و این معیار، زیرساختی‌بودن [j] را تأیید می‌کند. معیار توجه‌پذیری آوایی، زیرساختی‌بودن واج [j] را تأیید می‌کند؛ زیرا ستاک حال، [jR] است و وقتی [j] با مشخصه [-cont]، پس‌ازواکه پیشوندهای اشتقاقی یا تصریفی و پیش‌از همخوان [r] قرار می‌گیرد، همخوان [j] با واکه پیش‌از خود و همخوان پس‌از خود، در مشخصه [+cont] همگون می‌شود. به‌عنوان شاهد برون‌پیکره‌ای می‌توان تلفظ [be+jref+t+am] را در فارسی سال‌های پیشین ذکر کرد. در گونه بابل، تمام صورت‌های گذشته، با [j] تلفظ می‌شوند و صورت مصدری [ha+j+t+en] به‌کار می‌رود؛ بنابراین، معیار طبیعی‌بودن واج‌شناختی نیز غلت‌شدگی /j/ در این محیط را تأیید می‌کند. معیار پیش‌بینی‌پذیری واج‌شناختی، خاص صیغگان است و به کشف UR کمکی نمی‌کند. به‌عنوان شاهد تاریخی، ابوالقاسمی (۱۳۷۳: ۷۲) نوشته است: «گیر» در فارسی میانه، /gīr/ و در فارسی باستان، /grb-ya/ بوده است». براساس آنچه گفتیم، می‌توان بازنمایی زیرین را در قالب نمودار ۴ نشان داد:

صورت‌بندی قاعدهٔ ۱-۲-۲ (Gliding2):



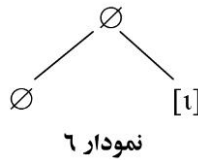
اکنون، با استفاده از اشتقاق واجی، قاعده را آزمایش می‌کنیم:



UR	/ # v \ominus + r+ \leftrightarrow n+i #	برمی‌داری
	/	
	# v \ominus + r+ \leftrightarrow) \cong n+i #	...
	#	Gliding2
	v \ominus +j r + \leftrightarrow) \cong n+i #	
PR	[
	v \ominus +j r + \leftrightarrow) \cong n+i]	

همان‌گونه که در پیکرهٔ ۴ دیدیم، در صیغهٔ امر مفرد از فعل «گرفتن»، همخوان /r/ پایانی حذف می‌شود. محیط آوایی و صورت‌بندی قاعدهٔ حذف همخوان /r/ در این تبیین، دقیقاً طبق قاعدهٔ ۱-۲-۳ در تبیین نخست است.

مشکوه‌الدینی (۱۳۸۸) معتقد است در موارد مشابه، واکه بین خوشه همخوانی زیرساختی است و «در هجای آغازین بن حال التزامی، در بافتی که بن حال التزامی، از بیش از یک هجا تشکیل شده باشد و صدای آغازین آن نیز صامت باشد و مصوت هجای یادشده نیز /a/ نباشد، هجای آغازی بن حال الزاماً به دنبال هجای باتکیه /be/ که پیشوند حال التزامی است، قرار می‌گیرد و بی‌تکیه است؛ مانند [be'gozarim] که می‌شود [be'gzarim]» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۸: ۱۴۰ و ۱۴۱). براساس آنچه گفتیم، نمودار ۶ این تناوب را نشان می‌دهد:



درج واکه [i] بین خوشه همخوانی، با استفاده از قاعده ۲-۲-۲-Ins-i صورت‌بندی می‌شود:

$$\emptyset \rightarrow \begin{pmatrix} -\chi\sigma\nu\sigma \\ +\pi\sigma\chi \\ -\beta\alpha\chi\kappa / \\ +\eta\iota\gamma\eta \\ -\rho\nu\delta \end{pmatrix} \begin{pmatrix} -\chi\sigma\nu\tau \\ -\alpha\nu\tau \\ -\chi\sigma\rho \\ +\eta\iota\gamma\eta \\ -\beta\alpha\chi\kappa \\ +\pi\sigma\iota\chi\varepsilon \end{pmatrix} - \begin{pmatrix} +\chi\sigma\nu\tau \\ +\pi\sigma\chi \\ -\sigma\psi\lambda \\ +\chi\sigma\rho \end{pmatrix} \text{ حال اخباری مثبت «گرفتن»}$$

اکنون، به کمک اشتقاق واجی، قاعده را آزمایش می‌کنیم:

UR	/ # r+↔n+⊕ # /	می‌گیرد
	# r+↔)≡n+⊕ #	...
	# +i+r+↔)≡n+⊕ #	i-Ins
	# +i+P+↔)≡n+⊕ #	...
PR	[+i+P+↔)≡n+⊕]	

۳. نتیجه‌گیری

در بخش قبل، دو ترتیب را بدین شرح تبیین کردیم: نخست، غلت‌شدگی [ʃ]، حذف واکه [i] و حذف همخوان [r]؛ دوم، درج واکه [i]، غلت‌شدگی [ʃ] و حذف همخوان [r]. مزیت تبیین نخست، روی کرد هم‌زمانی آن است و کاستی آن، توجیه آوایی این مورد که تنها پیش‌از واکه /i/ غلت‌شدگی واج /ʃ/ روی داده و در محیط آوایی دیگر واکه‌ها، دگرگونی‌های آوایی‌ای دیگر واقع شده است که در پیکره ۲ می‌توان آن را دید. از دیگر کاستی‌های این تبیین، زیادبودن قاعده‌های واجی برای رسیدن به صورت آوایی امر مفرد در مشتقات فعل «گرفتن» است.

یکی از مزیت‌های تبیین دوم، اقتصاد زبانی است؛ چنان‌که تنها با اعمال دو قاعده واجی، از بازنمایی زیرین به نمای آوایی آن می‌رسیم؛ همچنین توجیه غلت‌شدگی واج /ʃ/ پیش‌از واج /r/ با مشخصه [+const]، در مقایسه با توجیه غلت‌شدگی آن پیش‌از واکه /i/ پذیرفتنی‌تر است. کاستی‌های این تبیین، عبارت‌اند از: روی کرد درزمانی آن و تصمیم‌گیری درباره ریشه فعل براساس فرضیه‌های تاریخی؛ اضافه‌شدن قاعده درج [i] در صیغه‌های حال اخباری مثبت.

بررسی جنبه‌ای کوچک از قواعد واژ-واجی فعل‌های گونه شه‌میرزادی، بیانگر آن است که در صورت داشتن قاعده‌های واجی پیچیده و متفاوت با زبان فارسی می‌توان ادعا کرد این گونه، یک زبان است که در فارسی باستان و میانه، ریشه دارد. پژوهش‌های درزمانی درباره این گونه، به آشکارتر شدن نقاط تاریک تاریخی کمک خواهد کرد.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳). *ماده‌های فعل‌های فارسی دری*. تهران: ققنوس.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۳). «گوش ویدری». *گوش‌شناسی*. ج. اول. ش. سوم. صص ۲۰ تا ۳۸.
- ----- (۱۳۸۷). *راهنمای زبان‌های ایرانی*. تهران: ققنوس.
- رضایی، علی (۱۳۸۷). «فرایندهای آوایی در گونه زبانی شیرگاه از گوش مازندرانی». *زبان و زبان‌شناسی*. س. چهارم. ش. اول. صص ۷ تا ۹۳.

- زمانی، سلیمه (۱۳۹۰). *شبکه قواعد واژ-واجی فعل در گویش شه‌میرزادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات تهران.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۶). *زبان‌های ایرانی*. تهران: سخن.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۵). *آشنایی با تاریخ زبان‌های ایرانی*. تهران: پژواک کیوان.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۵). *واج‌شناسی روی کردهای قاعده‌بنیاد*. تهران: سمت.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۲). «نشانه استمرار در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی». *گویش‌شناسی*. ج. اول. ش. اول. صص. ۷۶ تا ۹۸.
- ----- (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گچ‌پزیان، سمانه (۱۳۸۷). «تحقیقات زبان‌شناختی درباره گویش سمنانی». در: گلشن اسماعیل‌پور. *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون*. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. صص. ۴۷۱ تا ۴۹۹.
- لاری، محمداسماعیل (۱۳۸۴). *شه‌میرزاد: بهشت کویر*. تهران: نشر محسن.
- مرسلویی، سیمین (۱۳۸۸). *بررسی شبکه فرایندهای واجی مرتبط با ساختارهای تصریفی فعل در گویش میانه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۸). *ساخت آوایی زبان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مقصودی، قربان‌علی (۱۳۷۹). *چکانا*. تهران: نقش قلم.

- Gussenhoven, Carlos and Haik Jacobs (1998). *Understanding Phonology*. London: ARNOLD.
- Kenstowicz, Michael (2006). "Generative Phonology". Massachusetts Institute of Technology.
- Roca, Iggy and Wyn Johnson (1999). *A Course in Phonology*. Blackwell.